

دفاع از خرد ناب

*In Defense of Pure Reason: A Rationalist Account of A priori
Justification*
BonJour, Laurence
Cambridge: Cambridge University Press. 1998

رضا صادقی*

ساختار معرفت تجربی^۱ و دفاع از خرد ناب دو اثر عمده لورنس بونجور به شمار می‌روند. او که اکنون استاد فلسفه در دانشگاه واشنگتن است، در ساختار معرفت تجربی، ضمن جانبداری از انسجام‌گرایی بر اسطوره بودن داده تجربی تأکید کرده بود. ولی در یکی از سخنرانی‌های خود در ۱۹۹۷ اعلام کرد که انسجام‌گرایی را کنار گذاشته و اکنون به نوعی مبنای‌گرایی درون‌گرایانه می‌اندیشد که براساس آن داده تجربی، مبنای معرفت تجربی خواهد بود. او در آثار بعدی خود به‌ویژه در نشست علمی که در زمستان ۱۹۹۸ در دانشگاه نوتردام برای شنیدن دلایل او در بازگشت به مبنای‌گرایی سنتی برگزار شد، به تبیین نقش توجیهی داده تجربی در ساختار معرفت پرداخت. در تبیین بونجور داده تجربی ماهیتاً آگاهانه است و در ضمن آن نوعی مواجهه مستقیم با واقعیت‌های غیرگزاره‌ای تحقق می‌یابد و به همین دلیل می‌تواند به مشکل تسلسل باورهای استنتاجی خاتمه دهد.^۲

با این حال در نظام معرفت‌شناختی بونجور داده تجربی تنها منبع توجیه نیست و برای توجیه باورها نمی‌توان صرفاً به تجربه اکتفا کرد، چرا که در این صورت باورهای موجه بسیار محدود خواهند بود و یا حتی شاید اصلاً هیچ باوری موجه نخواهد بود. از نظر او تنها در صورتی می‌توان به گسترش باورهای موجه امیدوار بود که به نقش توجیهی شهودهای عقلی

*. دانشجوی دوره دکتری فلسفه غرب دانشگاه شهید بهشتی.

نیز توجه شود. تبیین توجیه پیشین را بونجور در کتاب *دفاع از خرد ناب* دنبال می‌کند. او در این کتاب از دیدگاهی عقل‌گرایانه دفاع می‌کند که براساس آن بصیرت پیشین مبنای واقعی معرفت است. بیشتر فیلسوفان معاصر غرب چنین دیدگاهی را نمی‌پذیرند و بر این باورند که هرگونه معرفت درخور توجهی باید در اصل حسی باشد. از نظر آنها توجیه پیشین اگر وجود داشته باشد منحصر به قضایای تحلیلی است و بنابراین فاقد اهمیت معرفت‌شناختی است. بونجور بخش قابل ملاحظه‌ای از بحث خود را به ردّ این دیدگاه تجربه‌گرایانه اختصاص می‌دهد و به‌طور خاص تلاش می‌کند نشان دهد که کنار گذاشتن توجیه پیشین به تعطیلی اندیشه می‌انجامد.

۱۳۷

ذهن
ر
ا
ر
ن

در یک نگاه کلی می‌توان گفت *دفاع از خرد ناب* دربرگیرنده سه مؤلفه اصلی است: (۱) استدلال‌هایی در رد تجربه‌گرایی (۲) اثبات مقبولیت شهودی و پدیدارشناختی دیدگاه عقل‌گرایانه (۳) پاسخ به اشکالاتی که به عقل‌گرایی شده است. این سه مؤلفه در یک پیشگفتار، هفت فصل و یک پیوست تنظیم شده، که عناوین آنها عبارت‌اند از: بحثی مقدماتی، نقد دیدگاه‌های تجربه‌گرایانه در دو گروه معتدل و افراطی، تبیین عقل‌گرایی معتدل، پاسخ به اشکالات معرفت‌شناختی و متافیزیکی و در نهایت پیشنهاد راه‌حلی عقل‌گرایانه برای مسئله کلاسیک استقرا.

فصل نخست از کتاب *دفاع از خرد ناب* متضمن مباحثی مقدماتی است که در آن پس از تعریف پاره‌ای از مفاهیم کلیدی بر گریزناپذیر بودن توجیه پیشین استدلال شده است. همچنین این فصل متضمن بحثی تاریخی است که در آن با اشاره به تمایز تجربه‌گرایی - عقل‌گرایی تأکید می‌شود که تا زمان هیوم فیلسوف برجسته‌ای یافت نمی‌شود که با صراحت امکان شهود صدق‌های ضروری را انکار کرده باشد. از کانت که بگذریم تا پیدایش پوزیتیویسم طرفداران بارز تجربه‌گرایی به سختی یافت می‌شوند.

فصل دوم به نقد تجربه‌گرایی معتدل اختصاص دارد. تجربه‌گرایان معتدل برخلاف تجربه‌گرایان افراطی وجود توجیه پیشین را می‌پذیرند ولی آن را مختص به قضایای تحلیلی می‌دانند. از نظر بونجور تجربه‌گرایی معتدل، برخلاف تصور رایجی که وجود دارد موضع معینی نیست و بر طیفی از دیدگاه‌های ناسازگار اطلاق می‌شود. توافق تجربه‌گرایان معتدل صرفاً در این است که آنها پیشاپیش مسلم فرض کرده‌اند که باید مفهومی از تحلیل‌یت وجود

داشته باشد که در آن به بصیرت شهودی مورد ادعای عقل‌گرایان نیازی نیست و سپس در تلاش برای یافتن چنین مفهومی از یکدیگر جدا شده‌اند، و تعاریف ناسازگاری برای تحلیل‌یت طرح کرده‌اند. عدم توجه به این ناسازگاری باعث شده دست که برخی از طرفداران تجربه‌گرایی در مباحث خود به تناسب از تعاریف متعدد موجود استفاده کنند.

بونجور در نقد خود بر تجربه‌گرایی معتدل دو پرسش اصلی را دنبال می‌کند. نخست آنکه آیا واقعاً همه قضایای دارای توجیه پیشین را می‌توان تحلیل‌ی دانست؟ و دوم آنکه آیا با صرف تحلیل‌ی نامیدن چنین قضایایی می‌توان از تمسک به بصیرت پیشین خودداری کرد؟ نظر بونجور این است که هیچ‌یک از تعریف‌هایی که برای تحلیل‌یت طرح شده‌اند از چنین قابلیت‌ی برخوردار نیستند و در واقع هیچ برداشتی از تحلیل‌یت نمی‌تواند تبیین معرفت‌شناختی مناسب و مستقلی از موارد توجیه پیشین ارائه کند. او در استدلال خود به بررسی انواع گوناگون برداشت‌هایی که از تحلیل‌یت شده می‌پردازد و با دسته‌بندی این برداشت‌ها نارسایی‌های آنها را به‌طور جداگانه نشان می‌دهد.

نقد تجربه‌گرایی معتدل با اشاره به این نکته به پایان می‌رسد که مدعای تجربه‌گرایان معتدل این است که «هر قضیه قابل توجیه پیشین، تحلیل‌ی است»، درحالی که خود این نظریه نمی‌تواند شأنی تجربی داشته باشد. درواقع اگر این ادعا صرفاً حاصل استقرا باشد با ارائه نمونه‌های نقض عقل‌گرایانه ابطال خواهد شد. ولی ادعای تجربه‌گرایان این است که معرفت پیشین ترکیبی ناممکن است و این ادعا اگر موجه باشد صرفاً می‌تواند پیشین ترکیبی باشد. در این صورت نظریه اصلی تجربه‌گرایانه خودویرانگر خواهد بود.

فصل سوم به نقد تجربه‌گرایی افراطی اختصاص دارد، یعنی دیدگاه کواین و پیروانش که در آن اساساً توجیه پیشین کنار گذاشته می‌شود. بونجور پیش از بررسی دلایل کواین در کنار گذاشتن توجیه پیشین نشان می‌دهد که در آثار کواین تمایزهای تحلیل‌ی - ترکیبی، پیشین - پسین و ضروری - ممکن با یکدیگر خلط شده‌اند و این نشان می‌دهد کواین درک درستی از جایگاه منطقی بحث ندارد. ولی مشکل اصلی این است که دلایل کواین براساس پیش‌فرض‌های طبیعت‌گرایانه طرح می‌شوند و از آنجا که در طبیعت‌گرایی تأکید می‌شود فراتر از علم تجربی معرفت واقعی وجود ندارد، این دلایل مصادره به مطلوب خواهند بود. ضمن آنکه تمسک به استدلال عقلی برای نفی توجیه پیشین به خودویرانگری می‌انجامد. همچنین از

نظر بونجور در چارچوب محدودیت‌هایی که نظریه کواین ایجاد می‌کند اساساً جایی برای هیچ‌گونه توجیهی و از جمله توجیه تجربی باقی نمی‌ماند و اساساً باید مفهوم معرفت را کنار بگذاریم. این شاید همان نتیجه‌ای باشد که کواین در مقاله «معرفت‌شناسی طبیعی شده» به دنبال آن است. ولی مشکل این است که کواین عملاً مفهوم توجیه را کنار نمی‌گذارد و از بررسی «شواهد تجربی» در روان‌شناسی تجربی سخن می‌گوید، درحالی که چنین مفهومی را نمی‌توان در یک علم تجربی مورد بحث قرار داد. با این حال کنار گذاشتن معرفت‌شناسی خطای شخص کواین نیست، بلکه نتیجه روشن دیدگاه طبیعت‌گرایانه‌ای است که بر فلسفه معاصر سیطره دارد. اگر توجیه پیشین را نپذیریم دیگر جدای از روان‌شناسی چگونگی تکوین فرایند شناخت، جایی برای معرفت‌شناسی نمی‌ماند.

نکته دیگر آنکه معرفت‌شناسی ایجابی کواین که در چارچوب استعاره شبکه باور طرح شده در نهایت به نوعی شک‌گرایی افراطی می‌انجامد. دلیلش این است که در رهیافت کواینی پذیرش باورهای تجربی مبتنی بر توجیه معرفتی، یعنی دلیلی برای محتمل دانستن صدق یک باور، نیست. معیارهای سادگی، فراگیری، کفایت تبیینی و محافظه‌کاری که کواین به آنها تمسک می‌کند هیچ‌یک نمی‌توانند توجیهی معرفتی به دست دهند. کواین نمی‌تواند استدلال کند که اگر دستگاهی از باورها ساده‌تر، فراگیرتر و دارای کفایت تبیینی بیشتری باشد آنگاه احتمال صدق آن بیشتر است. او توجیه پیشین را کنار گذاشته و تمسک به توجیه تجربی نیز، حتی اگر امکان‌پذیر باشد، مصادره به مطلوب خواهد بود. و اساساً در دیدگاه کواینی هر باوری در معرض بازبینی است و چنین حکمی شامل خود معیارها هم خواهد شد. معنایش این است که اگر باوری با معیارهای مذکور ناسازگار باشد، می‌توان به جای کنار گذاشتن آن باور خود معیار را کنار گذاشت.

بونجور پس از نقد دو رهیافت تجربه‌گرایانه معتدل و افراطی به تبیین عقل‌گرایی معتدل می‌پردازد؛ یعنی این نظریه که شهود عقلی منبع بنیادین توجیه پیشین است. او با تمسک به نمونه‌های شناخته‌شده‌ای از بدیهیات عقلی توضیح می‌دهد که در فرایند شهود عقلی اوصاف ضروری واقعیت به‌طور مستقیم مورد مشاهده قرار می‌گیرند و مشاهده‌ای که یک قضیه وصفی ضروری از واقعیت را بیان می‌کند می‌تواند دلیلی برای صادق دانستن آن قضیه باشد. بنابراین چنین شهودی توجیهی معرفتی به‌شمار می‌رود.

پرسش اصلی مخالفان شهود عقلی این است که چنین امری چگونه ممکن است؟ پاسخ بونجور این است که البته اینکه ما دارای آگاهی و شناخت هستیم معجزه آسا است، ولی این مطلب اختصاصی به شهود عقلی ندارد. مهم این است که اگر کسی پیوندهای ضروری بین واقعیت‌ها را درک نکند اساساً توان اندیشیدن نخواهد داشت و نفس توانایی افراد برای بحث در این موضوعات (و از جمله طرح پرسش «چگونه ممکن است؟») نشان می‌دهد که واقعاً چنین شهودی وجود دارد.

در نظریه بونجور بصیرت عقلی خطاپذیر و اصلاح‌پذیر است و به همین دلیل است که نظریه خود را معتدل می‌نامد. او تبیین نظریه خود را با بررسی رابطه تجربه و بصیرت عقلی و همچنین نقش حافظه در برهان به پایان می‌برد و در فصل‌های ۵ و ۶ به ترتیب اشکالات معرفت‌شناختی و متافیزیکی به این دیدگاه عقل‌گرایانه را پاسخ می‌دهد و در فصل پایانی ضمن ناموفق دانستن تلاش‌هایی که در فلسفه معاصر برای حل مسئله استقرا انجام شده، این عدم موفقیت را ناشی از سیطره تجربه‌گرایی می‌داند و استدلال می‌کند که مسئله استقرا را صرفاً با تمسک به بصیرت عقلی می‌توان حل کرد. او این فصل را با ارائه راه حلی عقل‌گرایانه برای مسئله استقرا و کتاب را با یک پیوست پیرامون لوازمی که هندسه ناقلیدسی برای دیدگاه عقل‌گرایانه به دنبال دارد، به پایان می‌رساند.

پی‌نوشت‌ها

1. Bonjour, Laurence. (1985). *The Structure of Empirical Knowledge*. Cambridge, Mass: Harvard University Press.
2. مقالاتی که در نشست نوتردام ارائه شد در اثر زیر به چاپ رسیده است:
Depaul, Michael R. (ed.) *Resurrecting Old-Fashioned Foundationalism*. New York, Rowman & Little Field Publishers, INC. 2001.
این کتاب با مشخصات ذیل ترجمه و چاپ شده است. دفاع از خرد ناب: تبیین عقل‌گرایانه از توجیه پیشین، مترجم؛ رضا صادقی، قم: انتشارات مهرخوبان، ۱۳۸۲.